**عنوان:**

اقوال مختلف در فواتح سور

**استاد راهنما:**

استاد موسوی حفظه الله

**پژوهشگر:**

محمد مصلحی

**مقطع تحصیلی:**

سوم

**درس پژوهشی:**

مغنی الادیب

**مرکز آموزشی:**

مدرسه مبارکه علمیه علوی

**سال تحصیلی:**

1398-99



**تقدیر**

الحمد لله رب العالمین

ضمن تقدیر و تشکر از تمام اساتید و دوستانی که بنده را در این راه راهنمایی و یاری کردند، از خداوند منان خواستار افزایش روز افزون توفیقات این عزیزان هستم و امیدوارم که مورد لطف و رحمت خداوند بیش از پیش قرار گیریم. امیدوارم که این تلاش ناقابل در راه خدمت به دین مورد قبول درگاه احدیت و امام زمان (عج) قرار گیرد و ما را مورد توجه خاصه خود قرار دهند.

**تقدیم**

تقدیم به قطب دایره امکان مظهر تجلی معانی قرآن و آخرین فرزند امامت ،حضرت مهدی موعود(عج). تقدیم بر سلاله پاک خاندان امامت و وحی و روح پر فتوح حضرت فاطمه زهرا (س)، حضرت امام خمینی (ره) و مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه ای(مدّ ظله العالی)

**چکیده**

این پژوهش در بردارنده فواتح سور در قرآن کریم بود .این پژوهش به سبک و سیاق منسجم،منظم و روان ارائه شد .  
چون قرآن یکی از کتاب های ضروری برای مسلمانان است باید آن را شناخت و از آن استفاده کرد.در این پژوهش در مورد فواتح سور و نقش آنها در کلام و معانی آنها بحث شد و روایاتی حول برخی از این فواتح بیان شد در این پژوهش از کتب مرجع و معتبر ادبیات عرب استفاده شد و در سه فصل پژوهش ما در بحث فواتح سور مورد بررسی قرار گرفت .در فصل اول که به بیان تعریف و ویژگی های این فواتح سور پرداخته شد و در فصل دوم این فواتح سور از جهت صرفی و نحوی و در فصل سوم از جهت معنایی مورد بررسی قرار گرفت .

**کلید واژه**

فواتح سور،حروف مقطعه،قرآن کریم

فهرست

[مقدمه 1](#_Toc41436627)

[فصل اول :کلیات 2](#_Toc41436628)

[گفتار اول:تعریف 2](#_Toc41436629)

[گفتار دوم:ویژگی ها 2](#_Toc41436630)

[فصل دوم:تجزیه و ترکیب: تحلیل صرفی و نحوی 3](#_Toc41436631)

[گفتار اول:حرف بودن 3](#_Toc41436632)

[گفتار دوم : اسم بودن 3](#_Toc41436633)

[قسم اول:نقش این اسماء 4](#_Toc41436634)

[قسم دوم:معرب و مبنی بودن 6](#_Toc41436635)

[قسم سوم:معرفه یا نکره بودن 6](#_Toc41436636)

[قسم چهارم :منصرف یا غیر منصرف بودن 7](#_Toc41436637)

[گفتار سوم:جایگاه وقوع آنها در کلام 7](#_Toc41436638)

[گفتار چهارم:استعمالات آن در کلام عرب 7](#_Toc41436639)

[فصل سوم:تحلیل معنای 7](#_Toc41436640)

[گفتار اول:بررسی معانی اولیه 7](#_Toc41436641)

[گفتار دوم:بررسی معانی ثانویه 8](#_Toc41436642)

[نتیجه نهایی 9](#_Toc41436643)

[منابع 10](#_Toc41436644)

# مقدمه

خداوند متعال برای سعادت و کمال بشر برای آنها پیامبران و راهنمایانی را فرستاد تا مردم را به کمال و راه راست هدایت کنند

برخی از این پیامبران و فرستادگان کلام خداوند متعال را که نشان دهنده و راهنمای مسیر زندگی انسانهاست در قالب کتابهایی که برنامه جامع و کامل برای رسیدن به سعادت بشر در آن وجود داشت را به بشر اعطا کردند.

حضرت محمد(ص) نیز کتابی را بعد از خود برای هدایت بشر به نام قرآن به جای گذاشتند که با توجه به عمل به دستورات موجود در این کتاب میتوان به سعادت دنیا و آخرت دست یافت .

وقتی انسان قرآن را قرائت میکند در برخی از سوره ها آیاتی را مشاهده میکند که سوره با آن آغاز شده است و آن آیات با همه آیات دیگر متفاوت هستند.

حال سوال اینجاست که آیات چیست و آیا در بردارنده معنا و پیام خاصی است و آیا میتواند موجب رشدوسعادت بشر شود؟

در این پژوهش علاوه بر اینکه سعی شد در مورد نقش این آیات و مسائل صرفی و نحوی آن بپردازیم در فصل سوم نیز به بیان برخی از معانی این آیات پرداخته شده است .

# فصل اول :کلیات

## **گفتار** اول:تعریف

فواتح سور(حروف مقطعه):در ابتدای 29 سوره از سوره های قرآن کریم یک یا چند حرف از حروف الفبا وجود دارد که این حروف کار هم چیده شده اند اما کلمه ای را تشکیل نداده اند.اگر چه در کتابت پشت سر هم نوشته میشوند ولی در قرائت جدا از هم خوانده میشوند.

## گفتار دوم:ویژگی ها

1-این فواتح سور مختص قرآن کریم است و در سایر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل وجود ندارد .

2-اینها اختصاصی به سوره های مکی و مدنی ندارد زیرا هم در ابتدای سوره های مکی و هم مدنی وارد شده اند .

3-از کل قرآن کریم 29 سوره است که با این فواتح سور آغاز میگردد.این سوره ها به ترتیب عبارتند از:بقره، آل عمران،اعراف،یونس، هود،یوسف، رعد، ابراهیم،حجر، مریم، طه، شعراء ، نمل، قصص، عنکبوت،روم، لقمان، سجده ،یس،ص،غافر، فصلت،شوری،زخرف،دخان،جاثیه، احقاف،ق، قلم

4-فواتح سور از جهت تعداد حروف به پنح دسته تقسیم میشوند:

الف)یک حرفی:ص،ن،ق

ب)دو حرفی:مانند:طس،یس،طه،حم

ج)سه حرفی:مانند:الم،الر،طسم

د)چهار حرفی:مانند:المص،المر

ه)پنج حرفی:مانند:کهیعص،حم عسق

5-این فواتح سور گاهی به صورت یک آیه مستقل محسوب میشوند مانند الم در صوره مبارکه بقره ،گاهی به صورت دو آیه مانند حم/عسق در سوره مبارکه شوری و گاهی نیز مستقل نیستند و جزئی از اولین آیه سوره محسوب میشوند مانند:ق و القرآن المجید(آیه 1/سوره ق)

6-از لحاظ تکرار حروف،فواتح سور به چهار دسته تقسیم میشوند :بعضی از حروف مانند (ن،ق )اصلا تکرار نشده اند برخی از آنها مانند (ص) دوبار تکرار شده است برخی شش بار(ا،ل،م)و برخی دیگر مانند(ح در حم )هفت مرتبه تکرار شده است.

7-سوره هایی که با فواتح سور آغاز میگردند هنگامی که با دقت به آنها نگاه میشود در آغاز و یا در متن آنهاسخن وحی و نبوت و عظمت قرآن است .

8-بین فواتح سورِ هر سوره و محتوای آن سوره ارتباط خاصی وجود دارد به عنوان مثال هفت سوره ای که با (حم) آغاز میگردد همه اش سخن از وحی و رسالت و عظمت قرآن اما به شیوه خاص و مضامین ویژه دارد.

9-فواتح سور در هر سوره نام همان سوره است مانند: یس،طه،ص،ق، اما برخی از سوره ها اسم های متعددی دارند که یکی از آنها همان فواتح سور است و در واقع به نام های دیگر مشهور است و فواتح سور نام مستور آن است.

10-پس از حذف مکررات فواتح سور 14 حرف باقی می ماند: (ا،ح،ر،س،ص،ع،ط،ق،ک،ل،م،ن،ه،ی)که برخی مفسران گفته اند که اگر اینها را کنار هم قرار دهیم این جمله ساخته میشود :صراط علی حق نمسکه .

# فصل دوم:تجزیه و ترکیب: تحلیل صرفی و نحوی

## گفتار اول:حرف بودن

نظراتی نیز در مورد حرف بودن فواتح سور ذکر شده است از جمله:

1-اینها حروفی هستند که با توجه به ترکیب شدن آنها با یک دیگر کلمه و کلام تشکیل میشود.

2-فواتح سور حروف می باشند و نشان دهنده این است که قرآن نیز از همین حروف تشکیل شده است ولی انسان قدرت آوردن چنین کلامی را با این حروف ندارد .

اما در بحث حروف به مسئله مهمل یا مستعمل بودن این حروف و عامل یا غیر عامل بودن آنها اشاره نشده است .

## گفتار دوم : اسم بودن

در مورد اسم بودن فواتح سور نیز نظراتی وجود دارد :

1-این فواتح سور به دلیل اینکه در خودشان دلالت بر معنا دارند اسم محسوب میشوند.

2-اسمی است که دلالت بر اسماء خداوند دارد که ان شاالله در بخش معنای فواتح سور به این مسئله می پردازیم.

3-اسمائی هستند مانند اسماء اعداد که فقط برای بیان این حروف ذکر شده اند.

### قسم اول:نقش این اسماء

به دلیل اینکه در قرآن 29 سوره از 114 سوره قرآن با فواتح سور آغاز میشوند در اینجا به عنوان نمونه سوره مبارکه بقره را بیان میکنیم اما در صورت وجود اختلاف بین نحاة در فواتح صور دیگر آن اختلاف نظر در باره آن سوره ذکر خواهد شد .

نظرات مختلفی نیز در این باب وجود دارد که به بیان و شرح آن میپردازیم:

الف)محلی از اعراب دارند

1-نظر اول(التبیان)

این اسماء دارای 3 موضع می باشند:

الف)موضع رفع :

این اسماء مبتدا باشند و ما بعد آن یعنی آیه ذلک الکتاب خبر برای این مبتدا باشد .

ب)موضع نصب:که به دو دلیل میتواند منصوب باشد :

1-تقدیر حرف قسم و ناصب آن فعل محذوف قسم باشد .

2-مفعول به برای فعل محذوف

ج)موضع جر:

حرف قسم حذف شده است ولی عملش بعد از حذف باقی مانده است.

2-نظر دوم (جوامع)

در اینجا نیز2نظر مطرح شده است :

الف)الم با توجه به آیه بعدش که ذلک التاب است میتوان نقش آن را این چنین گفت که الم مبتدای اول و ذلک مبتدای دوم و الکتاب خبر است برای ذلک و ذلک الکتاب جمعا جمله خبر است برای الم

ب)الم خبر باشد برای مبتدا محذوف مانند هذه

3-نظر سوم (مجمع البیان )

الف)در موضع رفع

1-الم خبر برای مبتدا محذوف مانند هذه الم

2-الم مبتدا و ذلک خبر برای آن

ب)در موضع نصب

الم مفعول به برای فعل محذوف

4-نظر چهارم(در المصون)

3 موضع هم در اینجا مطرح است :

الف)موضع رفع :

1-خبر برای مبتدای محذوف

2-مبتدا وخبر آن ذلک

ب)موضع نصب:

مفعول به فعل محذوف

ج)موضع جر:

حرف قسم حذف شده است اما عملش باقی مانده است

**نکته:**

وقتی که به نقش فواتح سور در کتاب های مختلف دقت میکنیم ونظر نحاة را در این زمینه بررسی میکنیم یک نکته بین همه آنها اشتراک دارد:

این فواتح دارای موضع رفع و نصبشان مورد پذیرش همه می باشد اما برخی موضع جر را ذکر نکرده اند که یا با توجه به دلیل خاصی ذکر نشده یا نشان دهنده این است که این مسئله از نظر برخی نحاة اشتباه است .

ب) محلی از اعراب ندارند

اما علاوه بر اینکه برای آن محل هایی از اعراب در نظر گرفته اند گروهی نیز نظر داده اند که این فواتح سور محلی از اعراب ندارند زیرا فقط یک اسم هستند که هیچ عاملی برای آنها نیامده و معنای خاصی را در بر ندارند مانند اسماء اعداد واحد،اثنان و....که دارای محلی از اعراب نیستند.

### قسم دوم:معرب و مبنی بودن

در مورد مبنی و معرب بودن فواتح سور اقوالی بیان شده است که به ذکر آن میپردازیم:

1-مبنی هستند چون نمیخواهند از چیزی خبر دهند بلکه به واسطه اسمائی میخواهند الفاظ حروف را حکایت کنند.

2-مبنی است چون نه معنایی دارند و نه محلی از اعراب و نه عاملی برای آنها بیام شده است

3-مبنی بر سکون می باشند چون مانند اسماء اعداد هستند و در جمله واقع نشده اند

4-معرب است

5-نه معرب است و نه مبنی زیرا اینها برخی از اسماء الهی هستند که حذف شده و حروفی که دال بر آنهاست باقی مانده است .

### قسم سوم:معرفه یا نکره بودن

چون اسماء حروف می باشند و حروف نیز در مردم علم است و آنها را با اسماءشان می شناسند معرفه هستند نه نکره.

### قسم چهارم :منصرف یا غیر منصرف بودن

در کتب نحوی که مورد برررسی قرار گرفت در این مورد نظری وجود نداشت.

قسم پنجم:مشتق یا جامد بودن

در کتب نحوی که مورد بررسی قرار گرفت در این مورد نظری وجود نداشت.

## گفتار سوم:جایگاه وقوع آنها در کلام

همانطور که در مبحث های قبلی نیز در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با نگاهی به قرآن میتوان فهمید که این فواتح سور در ابتدای هر سوره واقع شده اند و در جای دیگر ذکر نشده اند.

## گفتار چهارم:استعمالات آن در کلام عرب

با دقت در کلام و صحبت های عرب در میابیم که این فواتح سور فقط در قرآن مورد استعمال قرار گرفته است و عرب در کلام خودش در حالت عادی اینطور صحبت نمیکند مگر برای رمز و رازی که در قرآن نیز یکی از دلائل استعمالش همین است .

# فصل سوم:تحلیل معنای

## گفتار اول:بررسی معانی اولیه

در اکثریت قرآن ها درمورد فواتح سور این طور معنا شده است که رمزی بین خدا و رسولش

ولی در برخی از تفاسیر گفته اند این چیزی است که به غیر از خداوند معنای آن را نمیداند و به عرکس که بخواهد معانی آن را تعلیم میدهد و در روایتی از امیر المومنین علیه السلام فرمودند:إنّ لکل کتاب صفوة و صفوة هذا الکتاب حروف التهجی.

## گفتار دوم:بررسی معانی ثانویه

اما برخی از روایات در مورد این فواتح سور و معنای آنها ذکر گردیده و برخی از مفسرین نیز در مورد این فواتح نظر هایی داده اند که به بیان آنها خواهیم پرداخت:

1-برخی مانند حسن و زید ابن اسلم گفته اند که فواتح سور همان اسم سوره هاست .

2-برخی گفته اند که اینها نشان دهنده برخی از صفات الهی هستند مانند:

الف)الم:الله اعلم

و اینکه

الف :دلالت بر الله دارد

لام :دلالت بر جبرائیل دارد

میم: دلالت بر حضرت محمد دارد

ب)المر:الله اعلم و اری

ج)المص:الله اعلم و افصل

د)کهیعص:عن ابن عباس

کاف:کافٍ

هاء:هادٍ

یاء:حکیم

عین:علیم

صاد:صادق

# نتیجه نهایی

در طول پژوهش به نتیجه های خوب و زیبایی رسیدیم از جمله اینکه در قرآن برخی از سوره ها هستند که از بقیه متفاوت ترند و با یک روش دیگری و کلام دیگر آغاز شده اند که در معنای آنها یحث و اختلافاتی بود که برخی از آنها را بررسی کردیم و دیدیم که در زبان عرب چنین استعمالی نبوده بلکه در کتب آسمانی دیگر نیز این شیوه اتخاذ نشده و فقط و فقط این شیوه مخصوص قرآن است .

# منابع

1-قرآن کریم

2-زمخشرى، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل، 4جلد، دار الكتاب العربي - لبنان - بيروت، چاپ: 3، 1407 ه.ق.

3-سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر، البهجة المرضية على الفية ابن مالك، 1جلد، اسماعيليان - قم - ايران، چاپ: 19.

4-صبان، محمد بن على، حاشية الصبان على شرح الأشمونى على ألفية ابن مالك و معه شرح الشواهد للعيني، 4جلد، المكتبة العصرية - بيروت - لبنان، چاپ: 1.

5-طبرسى، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، 4جلد، حوزه علميه قم، مركز مديريت - ايران - قم، چاپ: 1، 1412 ه.ق.

6-طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، 10جلد، ناصر خسرو - ايران - تهران، چاپ: 3، 1372 ه.ش.

7- عكبرى عبدالله بن حسين‏ ،التبيان في إعراب القرآن‏،1جلد،بیت الافکار الدولیه-عربستان-ریاض،1419ه.ق

8-سمین،احمد بن یوسف،الدر المصون فی علوم کتاب المکنون ،6جلد،دار الکتاب العلمیه -لبنان-بیروت،1414ه.ق

9-عبد الله جوادی آملی ،تفسیر تسنیم،45 جلد،انتشارات اسراء –ایران-قم